



سازمان رهائی زن

The Organization for Emancipation of Women

رهائی زن

سر دبیر: مینو همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati
Email: minohemati@gmail.com

مدیرمسئول: شراره رضایی

Managing editor: Sharareh Rezaei
Email: shararehrezaei.p@googlemail.com

نشریه ماهانه:

3rd Series, Issue 46

سری سوم، شماره ۴۶

۱۳ خرداد ۱۳۹۵، May 2016

مطالب

جشن اول مه و مطالبات کارگری پسا برجام
متن مصاحبه تلویزیونی مینو همتی
با فرخنده آشنا فعال کارگری مقیم سوئد



مطالبات کارگری طی دهه های متمادی به بهانه جنگ، اقتصاد مقاومتی و تحریمهای بین المللی سرکوب شده است. این در حالیستکه جماعت یک درصدی حاکم از میلیونرهای ریالی به میلیاردرهای دلاری تبدیل شدند. این جماعت یک درصدی چه در آمریکا باشند و چه در ایران توان مالی نجومی و قدرت مطلق سیاسی خود را با خالی نگهداشتن سفره خانواده کارگری تضمین کرده است. وقت آن رسیده است که نیروی میلیونی ۹۹ درصدی متشکل شود و حقوق خود را بدست آورد و خط فقر را بموزه تاریخ بسپارد. در برنامه امشب به بررسی مطالبات کارگری، از اعتصابات متعدد گرفته تا وضعیت معیشت خانوار کارگری، از وضعیت کارگران مهاجر افغان گرفته تا دستفروشان کلان شهرها با فرخنده آشنا از فعالین کارگری به گفتگو مینشینیم. فرخنده عزیز به برنامه رهائی زن خوش آمدید.

مینو همتی: توافق هسته ای و بقول خودشان برجامشان با میلیونها دلار بکام حاکمان شیرین شد. طبقه کارگر را چه حاصل، آیا لقمه نانی به سفره خالی خانوار کارگری افزوده شد؟ یا اینکه کماکان پولدار کباب و بی پول دود کباب؟
فرخنده آشنا: الان اگر ما بخواهیم نگاه بکنیم در ایران یک شرایط تاریخی دیگری در رابطه با کارگران وجود دارد. آن اجماع ها و آن دست اویزهایی که رژیم همیشه داشته مثل جنگ که برایش نعمتی بود و بعد بازسازی جنگ که چگونه کارگران را از حق قراردادهای رسمی کنار گذاشتند و بعد تحریمها و محاصره اقتصادی را و خلاصه هر دفعه با یکی از این زمزمه های ابزاری سر ما را کلاه گذاشتند. کار رسید به اینجایی که امروز قرار داریم. همانطور که خودتان اشاره کردید در

با نشریه رهائی زن همکاری کنید

برای نشریه رهائی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان ..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را به آدرس ایمیل زیرارسال کنید.
Markazi@RahaiZan.org

باتوجه به اینکه نظراتی در سطح جامعه مطرح میشوند که نیازمند پاسخگویی و حلاجی در برخورد آزادانه عقاید دارد و بعضا این نظرات مغایر با اهداف و سیاستهای رهائی زن نیز هستند، اینگونه نظرات در "ستون آزاد" منتشر میشود و در همینجا از فعالین حقوق زنان و بخصوص فعالین رهائی زن میخواهیم تا در پاسخگویی به این نظرات کوشا باشند.
مینو همتی

جشن اول مه و مطالبات کارگری پسا برجام مصاحبه مینو همتی با فرخنده آشنا فعال کارگری مسلمان کیست؟ آکو رضایی

رسول بدائی به پاس هفت سال صبوری همسرش "فرزان عزیزه": "قهرمان تویی دلبندم"

بیانیه ندای زنان ایران به مناسبت روز جهانی کارگر "روز اول ماه مه با خواست برابری زن و مرد!!!!"

گزارشی از تحصن پناهجویان در دفاع از حق پناهندگی در شهر گوتنبرگ - سوئد در برابر در شهر "بوتوری پستن" روزنامه گوتنبرگ (همراه با عکس)

گزارشی از تحصن پناهجویان ایرانی و افغانستانی در سوئد گزارش از: ماریا یوسفزی

اعترافگری از مردان همجنسگرا، شرط صدور کارت معافیت از سربازی شادی امین

موج مبارزه با بدحجابی یا شروع آزار و اذیت زنان دل آرام آزمون

نرگس محمدی بار دیگر به ۱۰ سال زندان محکوم شد

بیانیه و گزارش ۱ می روز جهانی کارگر در شهر شنتوتگارت- آلمان

بیوگرافی و چند شعر از نسرين پرواز (به زبان انگلیسی)

گزارشات اول مه از تهران و سنجند تا اشتوتگارت و استکهلم (تلویزیون رهائی زن)

تهدید به سوزاندن دختری که به استادیوم رفت!

صفحه ی خبری

راه های تماس با اعضاء سازمان رهائی زن، فرکانس و روز پخش برنامه در ایران

واقع امروز یک بحران جهانی هست. میدانید که در همه جای دنیا مردم از سیاستهایی که هر روز باعث خرابی و ویرانی بیشتر وضعیت کارگران و مزد بگیران میشوند به سطوح آمده اند. این در واقع همان اعتراض سراسری ست به این سیاستها و ما هم جدا از این جهان نیستیم. ما هم کشوری هستیم که سرمایه داری هار جمهوری اسلامی میخواد سیاستهای جهانی نهادهای سرمایه داری را مثل صندوق بین المللی پول را در ایران پیاده بکند و این مبارزه جهانی طبقه کارگر هم به صورتی به ایران مربوط است. برای همین من فکر می کنم که الان فرصت خیلی خوبی ست که ما بتوانیم مبارزات منطقه ایی و محلی مان را با مبارزات جهانی پیوند بدهیم و این ارتباط را برقرار بکنیم و نشان بدهیم که ما هم جزو ۹۹ درصدی ها هستیم. ما هم در کشوری هستیم که در وحشتناکترین شرایط نیروی کار، کارگر را استثمار می کنند. مسئله بیکاری ها و تمام معضلاتی که امروز در جامعه ایران هست در واقع همه کارگران جهان با شدت و ضعفی دست به گریبان هستند و اعتراضات سراسری را ما شاهد هستیم.

ببینید در امریکا و انگلیس چگونه اعتراضاتی هست. در خاورمیانه شاهد آتش افروزی هایی هستیم در واقع دنیایی که اینها دارند رهبری می کنند بر علیه طبقه کارگر هست و طبقه کارگر حق دارد که برای دفاع از زندگیش مبارزه بکند. من فکر می کنم که در چنین شرایطی احتیاج به یک تحرک گسترده است و در واقع باید بر پایه یک ابتکاراتی باشد و نوآوریهای در ایجاد تشکلهای مردمی برای طرح مطالبات و رفاه عمومی مان داشته باشیم. برای اینکه بتوانیم برای کل احاد جامعه مان یک سری مطالبات عمومی را مطرح بکنیم. بخصوص الان که هیأت هایی به اروپا می آیند و میروند. ما باید

به نوعی جوری به اعتراض مان وصلش کنیم. به سیاستهای سرمایه جهانی، به سیاستهای سرمایه جهانی و آنها را ارتباط دهیم به اعتراضات کارگران در کل جهان. هرچند در همه جای دنیا سرکوب هست و ولی هیچ کارگری نمی تواند باور نداشته باشد که اگر کارگر متشکل بشود و نیروی عظیمش را به میدان بیاورد و سازمان بدهد هیچ نیروی سرکوبی قادر نیست که آنها را به عقب بنشانند و آنها پیروز میدان خواهند بود و این مسأله مهمی هست مسأله تشکل یابی طبقه کارگر پیوندش با مبارزات جهانی و اعتراض ۹۹ درصدی ها در جهان خیلی مهم هست و این شرایط را باید دریابیم و در این شرایطی که جامعه متحد است نیاز به سازماندهی دارد.

مینو همتی: بهره برداری صاحبان سرمایه از شکاف بین کارگر بومی و کارگر مهاجر در همه جای دنیا از جمله ایران اهرمی برای پائین نگهداشتن دستمزدها برای کارگران بومی و محکوم کردن کارگر مهاجر و خانواده اش به زندگی زیر خط فقر بوده است. راه برون رفت از این مدار بسته را چه میبینید؟

فرخنده آشنا: علت مهاجرت و مهمترین مسأله مهاجرت همین سیاستهای خانه خرابی ست که این سرمایه دارها در رابطه با کارگران ایجاد می کنند. جنگ افروزی ها و سیاست هایی که راهی جز مهاجرت و فرار برای مردم باقی نمی گذارد همان دولتهایی که با اعمال سیاستهای سرمایه جهانی انسانها را از همان حداقل های امکان زندگی در کشور هایشان ساقط می کنند و شرایط به شدت غیر انسانی را برایشان رقم می زنند. و در حین فرار یا در دریا ها غرق می شوند و یا اینکه خودشان را به یک جایی می رسانند. تازه انجا هم باید به یک حقوق پایین برده داری تن بدهند چراکه بهر حال مجبور هستند زندگیشان را تامین بکنند. شما ببیند در همین ایران

در رابطه با افغانستانی ها رژیم دارد چکار می کند و چه سیاستهایی را دارد پیش می برد. الان در اروپا هم یک دوره سرکوب دستاورد های طبقه کارگر هست. در اروپا مهاجرهایی که از جنگ فرار می کنند و به اروپا می آیند. برای اینها این امکان را فراهم می کند که از نیروی کار ارزان اینها استفاده کنند و از طرفی اینها را الترناتیوی قرار بدهند برای مبارزات روزمره کارگری که خواهان افزایش دستمزدش است و در واقع نیروی مهاجر در یک همچنین جاهایی یک نیروی ضعیفی ست و اینها حمله را به آنها انجام می دهند. در همین کشور سوئد وقتی که ما با موج مهاجران گریخته از جنگ مواجه هستیم اینها یک سیاست هایی را به کار میبرند که مثلا پیشنهادشان این بود که این کارگران و پناهنده هایی که از کشور های دیگر می آید ۳۰ تا ۴۰ درصد کمتر از کارگر های سوئدی به ایشن حقوق بدهیم چونکه اینها ان مهارت ها را ندارند.

خوب خوشبختانه اینجا شرایطی هست که انسانهای رادیکل میتوانند یک مقدار ازادانه تر فعالیت بکنند و تلاش کردند که روشنگری بکنند. تلاش کردند که اتحادیه های کارگری را نسبت به این مسأله روشن بکنند و اجازه ندهند که اینها سیاستهای تفرقه افکنانه شان را بین کارگر خارجی و سوئدی پیش ببرند. و خوشبختانه تا اینجا هم نتوانستند پیش ببرند یعنی به هر حال روی این قضیه کار شده و انسانها نیرو گذاشتند و تلاش کردند روشنگری و افشاگری کردند و اعتراض کردند و این طرح خوشبختانه پیش رفت. و این طرح هم هست که خوب شما می کوید که اینها آموزش و مهارت ندارند بهشان آموزش بدید حق هر کسی هست که در این جامعه آموزش ببیند و بتواند کار بکند و تا ان موقع شما باید به آنها حقوق بیکاری بدهید تا آنها بتوانند این آموزش ها رو ببینند و به کار بروند این تلاشها هست یعنی به

هر حال ان طور نیست که اینها اجازه بدهند که این یورش ها به راحتی صورت بگیرد اینها طرح های ضد کارگری هستند اینها طرح هایی که وظیفه نیروهای انقلابی اینها را افشا کنند و با سازماندهی طبقه و اعتراض های گسترده بتوانند اینها را به عقب بنشانند. بهر حال این سیاست کثیف تفرقه افکنی بین کارگرای بومی و خارجی را رژیم جمهوری اسلامی سالها بکار برده و یکی از فجیع ترین مسأله که در ایران پیش رفت این بود که سال قبل بخصوص یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر روزی که همه کارگرای دنیا اتفاقا می خواهند روی وابستگی طبقاتی شان تاکید بکنند این مزدور ها و سرکوب گران همیشگی طبقه کارگر سعی کردند با بسیج نیرو اتفاقا بر علیه کارگرای مهاجر و افغانستانی شعار بدهند و بگویند که اینها هستند که باعث این مصیبت ها شدند در حالیکه باید با این سیاستها مقابله بشود با سیاست هایی که رژیم بر علیه افغانستانی ها دارد اعمال می کند میدانید که الان دارد به عنوان نیروهایی که اینها رو سازمان می دهد و بهشان وعده پول می دهد بهشان وعده این را میدهد که اینها می توانند بعدها شهروند ایرانی بشوند و پاس ایرانی بگیرند و خانه بخرند و تحصیل بکنند و ماشین داشته باشند اگر اینها بروند و از همتای خودشان در سوریه و از اسد دفاع بکنند و هیچ معلوم نیست که اینها بتوانند از انجا زنده در بیایند. الان مردم شاهد هستند که در مناطق افغانی نشین در حاشیه های شهر بخصوص در مشهد الان هر روزه دارند بخش زیادی از اینها را که فرستادند انجا با این وعده ها جسد هایشان را دارند به خانواده هایشان تحویل میدهند تحت عنوانی که اینها از حرم دفاع کردند. یک زمانی جوان ها را به کشتن میدهند که میخوانند بروند برای فتح

کربلا و حالا این بیچاره ها را اینطور به کشتن میدهند. معلوم هست وقتی به یک کارگر افغانستانی اجازه نمیدهند در یک محله هایی تردد بکنند. بهش اجازه نمیدهند تحصیل کند و خانه بخرد و حساب بانکی باز کند وقتی میرود در بیمارستان و با آن رفتار انسانی ندارند در یک همچین فشاری اگر تو دو ماه بروی انجا و برگردی ما همه این محرومیتها را رفع می کنیم معلوم هست که تحت این فشار همچین چیزی را قبول می کند بهر حال اینها ان چیزهایی هست که داره اتفاق می افتد و باید همه جا هوشیار بود و علیه این سیاستها مبارزه کرد. و نگذاشت که این اتفاق بیافتد. بخصوص یازده اردیبهشت ما می خواهیم با جنبش جهانی و ۹۹ درصدی ها اعلام همبستگی بکنیم در سراسر جهان در درجه اول دست افغانستانی را دکه در کشور ما هست را بعنوان اتحاد طبقاتی خواهیم فشرد و اجازه نخواهیم داد که اینها اینجوری این بخش ضعیف طبقه کارگر را بعنوان مهاجران تنها در ایران بلکه اینجا هم این مسائل هست ما هم واقعا درگیر این مسائل هستیم که روشنگری بشود و اینجا دائم در اعتراض و در کشمکش هستیم با این سرمایه دارها که نگذاریم این اتفاق بیافتد. اتفاقا دوستان افغانستانی که اینجا هستند و این تجربه را از ایران و جاهای دیگه دارند و ایجا دائما این تجربه ها رو انتقال میدهند که ما بعنوان کسانی که در ایران بودیم میدانیم وقتی که حمله می کنند به یک کارگر افغانستانی بعنوان کارگر مهاجر و حقوق کمی بهش میدهند بیمه اش نمی کنند و مسکن و اینها ندارد و این حمله ها اگر سدی جلویش را نگیرد متوقف نمی شود.

این تجربه ها را ما داریم و باید از ان استفاده بکنیم این بخش بزرگی که روی دوش کارگری خارجی اینجا بوده که ارتباطها را برقرار بکنند و همین طور کارگری اگاه سوئد که این پیوند را برقرار بکنند و اجازه ندهند

که این تعرضات به بخش ضعیف طبقه کارگر انجام بشود. بهر حال ما باید خیلی هوشیارانه با این سیاستها مقابله بکنیم باید خیلی هوشیارانه بتوانیم اتحاد و همبستگی طبقاتی مان را در همه جا پیش ببریم. تحکیمش بدهیم و سعی کنیم هرجایی که تشکلی ایجاد می کنیم حتما بطور ویژه حواس مان به ان بخش کارگران مهاجر باشد. سرمایه داری برای خودش هیچ مرزی نمی گذارد هر جا که دلش می خواهد و می بیند که سود زیاد هست میتواند به راحتی برود انجا و خون کارگرها را بمکد. ما کارگرها هم باید باید جلوی ان را بگیریم تا بتوانیم از این شرایط خلاص باییم.

مینو همتی: پدیده دستفروشی در کلان شهرها مختص ایران نیست، لیکن نحوه برخورد شهرداریها در کشورها پیشرفته و جهان سومی کاملا متفاوت است در آمریکا شهرداری در روزهای تعطیل آخر هفته پارکینگ برخی مدارس دولتی را به هزینه ای کم در اختیار دستفروشان برای ارائه اجناسشان میگذارد و خریداران و فروشندگان نیز راضی بنظر میرسند. در این مورد این پدیده در ایران توضیح دهید و اینکه چه ا فشار اجتماعی را دربرمیگیرد.

فرخنده آشنا: ببینید مسأله دست فروشی چیزی جز فقر نمی تواند باشد. یعنی هیچ دلیلی ندارد جز اینکه آدمها بیکارند و وقتی که هزارن نفر کارشان می شود دست فروشی یعنی گسترش روز افزون فقر و بیکاری این را نشان می دهد. انسانهایی که قادر به تامین زندگیشان نیستند بیکارند و یا بعنوان شغل دوم و سومشان مجبور میشوند که دست فروشی بکنند. و این تعداد عظیمی که این روزها در رابطه با ایران هست در واقع یک رقم باور نکردنی ست، یعنی یک معضل اجتماعی ست که مربوط به سیاستهای ان جامعه است که به شکل دستفروشی خودش را دارد نشان

می دهد بخش بزرگی از این دست فروش ها زنان هستند این مسئله مهمی هست که این زنان بخش عمده شان هم سرپرست خانواده هستند یا زنان جوانی هستند و از انجایی که در ایران نفس کشیدن هم پولی شده داره تحصیل میکند و دانشگاه میره و مجبور هست که هزینه اش را تامین بکند و بخشی از اینها مجبور هستند که دست به دستفروشی بزنند چون کاری نمی توانند پیدا بکنند.

اما مسئله جمع اوری این دست فروشها بارها و بارها اتفاق افتاده و اینها دوباره به خیابانها برگشتند بگذارید من تجربه سال ۵۹ و ۶۰ خودمان را بگویم که ان موقع ها من یادم هست که در خیابان ولیعصر بچه های جوانی که کار نداشتند و یا احتیاج مالی داشتند و باید پول بدست می آوردند در این خیابان بزرگ بخصوص در شبهای عید دست فروشی می کردند و ان موقع به اینها حمله می کردند و از زمان شاه هم همچین چیزهایی هم هست و ماموران سد معبر و ان موقع شرایط کمی متفاوت تر بود. یعنی فضا یک مقدار باز تر بود و جوان هایی که در ان خیابان کار می کردند یک تشکل دستفروش ها را ایجاد کرده بودند و یک دکه ایی را زده بودن که ان دکه با نوشته هایی که رویش بود نوشته بود که اینجا جایی هست که دستفروشها را سازماندهی می کند و انها میرفتند ثبت نام می کردند و برای مردم اعلام می کردند که جوانی هستم که کار ندارم و باید پول بدست بیاورم. از اخبار و اینکه اگر حمله کردند چگونه از خودمان دفاع بکنیم و روشنگری می کردند و در چین حمله هایی هم مردم دخالت می کردند و اجازه نمی دادند که تعرضی به انها بشود و کار هم می شد. یعنی بهر حال مغازه دارها مالیات می دهند و یکسری پولها را باید به شهرداری بدهند و طبیعتا قیمت جنسشان یک مقدار بالاتر هست و اینها پایین تر و مردم از جنس ارزان استقبال می کنند ولی این باعث این نباید بشود که درگیری بین دستفروشها و مغازه دارها بشود.

دستفروشها وقتی کار ندارند چه کار باید بکنند و معلوم هست که شهرداری و دولت در کنار مغازه دارها خواهد ایستاد این روابط هست ولی هیچ ادم منصفی و هیچ ادم انسان دوستی نمی گوید که دستفروش ها را باید با زدن و بستن و مثل یک جنایت کار با انها رفتار کرد. باید به اینها کار داد و یا شرایطی فراهم کرد. من یادم هست که همین دستفروشها یک جایی را مشخص کردند و از شهرداری خواستند که انجا را به انها بدهد که شهرداری جاهایی را داده بود که دست رسی مردم سخت بود و به قول خودشان جنگ یک نعمتی شد که به اینها حمله کردند و از انجا بیرونشان کردند و هیچ وقت برای مردم یک چاره اساسی انجام نمی دهند و ایجاد کار نمی کنند. دست فروش ها هم دچار همچین مسئله ایی هستند که در مترو با بیشر می تمام می گویند که برای اسایش خودتان هم که شده از اینها خرید نکنید. و یا بعنوان سد معبر می بینیم که با مردم چگونه برخورد می کنند خوب تشکیلات و نیروی کارگری نیست که پشت اینها باشه و خودشان هم تشکیلاتی ندارند از اینگونه برخوردها جانشان به لب میرسد و مثل ان کسانی که خودشان را انداختند زیر ریل قطار و یا یونس عسکره دست فروش خرمشهری که از سر ناچاری خودش را به آتش کشید و خود کشی کرد اینها مسائل کمی نیست واقعا این جور برخوردها دولت را وادار به این نمی کند که فکری به حال این انسانها بکند. این وعده هایی که اینها برای اشتغال زای داده بودند در واقع همین بگیر و ببند ها بود بگیر و ببند هایی که اینها دارند انجام می دهند یعنی در واقع باید دست این دست فروش ها را ببوسند بخاطر اینکه با این شرایط و این اوضاع و احوال اینها برای خودشان یک تحرک و تلاشی دارند تا بتوانند معاش خودشان

را تامین بکنند دست به کارهایی نمی زنند که به جامعه اسبب برسانند دست فروشی بهتر از تن فروشی و مواد مخدر هست این را اینها خوب متوجه هستند. با این زحمت دارند دست فروشی می کنند که بتوانند زندگیشان را تامین کنند اینها این همه تشکل های عریض و طویل دارند سازمان تامین اجتماعی وزارت رفاه دارند وزارت بهزیستی دارند چرا یک شرایط برای اشتغال این بیکارها نمی توانند ارائه بدهند. نمی خواهند ارائه بدهند می آیند ۷۰۰۰ نفر پلیس نا محسوس برای پاییدن مردم استخدام می کنند که مردم دچار رعب و وحشت بشوند و هیچ حرکت و اعتراضی نکنند و بتوانند اینها را سرکوب بکنند. بهر حال مبارزه در این شرایط برای اینها این نیست که اینها را سرکوب بکنند اینها را بگیرند و جریمه بکنند اینها کار ندارند بهر حال اگر هم اینها را یک دوره شدید سرکوب کنند بعد از مدتی که مسائل شل شد اینها بیکار هستند و دوباره بر می گردند. کار اساسی این هست که اینها از یک تامین اجتماعی برخوردار باشند از یک حمایت اجتماعی برخوردار باشند و کار به آنها داده بشود و اگر کار نمی دهند بیمه بیکاری بدهند تغذیه و مسکن و بهداشت داشته باشند اینها وقتی اینها را ندارند مجبور می شوند دست به این ابتکارات بزنند و بجایی که از اینها قدر دانی بکنند همه جا سعی می کنند یک موانعی ایجاد بکنند که اینها همان یک لقمه نانی را هم که به ابتکار خودشان با هزار زحمت سعی می کنند در این جامعه بدست بیاورند را اینطور برخورد می کنند یعنی هر راهی که مردم یک مقدار وضعیتشان را بهتر بکند و یک لقمه نانی بدست بیاورند همه جا سیاست دولت سرکوب و پاک کردن صورت مسأله بوده است. شما ببینید در رابطه با همین مسئله ایی که زنان کارتون خواب ببینید خانم شهیندخت مولاوردی معاون رئیس جمهور

در رابطه با اینها چه می گوید می گوید اینها را عقیم سازی بکنند که دیگه اینها بچه ایی نداشته باشند و هزینه ایی روی دوش دولت نگذارند. شما کدام هزینه ایی را در رابطه با اینها متحمل شدید؟ این غیر انسانی ترین سرکوبی هست که در رابطه با اینها دارند انجام می دهند. بی تردید آن چیزی که اینها نیاز دارند این هست که مسکن داشته باشند تغذیه و بهداشت داشته باشند و از یک حمایت اجتماعی برخوردار باشند آن موقع اینها هرگز در خیابان نخواهند آمد و هرگز معتاد نخواهند شد با بگیر و ببند و کشتن سی و خورده ای سال مسایل و مشکلات مردم فقیر حل نشد و نخواهد شد.

مینو همتی: حال که حکومت اسلامی به خانه بخت رفته و هیئت های اقتصادی اروپایی بسته های اقتصادی نان و آبدار برای صاحبان قدرت در ایران هدیه می آورند. طبقه کارگر اعم از زن و مرد، پیر و جوان، بیکار و شاغل چگونه میتوانند از این موقعیت برای ارتقا سطح معیشت و توان اجتماعی ۹۹ درصدیها بهره برداری کنند؟ نقش زنان در این کارزار چیست؟

فرخنده آشنا: خوب معلوم نیست که سیاه بخت نشود یعنی ببینید آنچه که الان برای این هیئت ها مهم هست که اینجور سرازیر شدند در رابطه با اینکه قراردادهای که سود کلان برایشان دارد را بدست بیاورند در واقع این باغ سبزی را که آنها می بینند دندان طمعی که آنها دارند در رابطه با همین نیروی کار ارزان هزاران جوانی هست که کار ندارند و آنها می دانند که در این شرایط حاضر میشوند با پایین ترین قیمتی نیروی کارشان را بفروشند. ظریف در یکی از نشست هایش گفته بود ایران یکی از بهترین و امن ترین کشورها ست برای سرمایه گذاریهای خارجی و سودآور و میدانند که این را به چه

مناسبتی میگوید و آنها هم میدانند یعنی این امنیت و سود اوری برای سرمایه دارها به یمن کشتارها و قتل عامها و بگیر و ببند ها و زندانهایی که الان پر هست از کارگرهای معترضی که فقط به خاطر حقوق های معوقه شان اعتراض کردند و در زندان هستند. معلمهایی که برای دستمزد یک مقدار بیشتری که بتوانند آن حداقل های زندگیشان را فراهم بکنند در زندان هستند و این ارتشی هست که بخش بزرگی از بودجه مملکت فقط برای سرکوب مردم دارد هزینه می شود.

این هست و من فکر می کنم که تنها چیزی که در این شرایط می تواند به کمک ما بیاد که این فرش قرمزی که اینها با کشتار مردم و خون کارگرها به زیر پای اینها انداختند و بهشان خوش آمد می گویند می تواند این خواب و رویای اینها را بهم بزند و همانطور که قبلا اینها می گفتند که زمان شاه که ایران جزیره ثبات هست دیدیم که در فاصله خیلی کوتاهی وقتی اولین خیزش مردمی پیش آمد همین شاه را برداشتیم و جزیره ثبات دیگر آن جزیره ثبات نبود تا اینکه دوباره سرکوب کنند و تبدیل به این بکنند بهر حال اینها همچین تحلیل هایی را می دهند بخاطر اینکه اینجوری می خواهند اما طبقه کارگر می تواند این معادلات را عوض بکند. تنها و تنها این نیرو هست که میتواند این معادلات را عوض بکند به نفع خودش به شرط اینکه بتواند خودش را سازمان بدهد و نیروی عظیمش را به میدان بیاورد و این بگیر و ببند ها هم نمی تواند کارگرها را بترساند و کارگرها این را میدانند و این را تجربه کردند که اگر بتوانند نیروی عظیمشان را به میدان بیاورند هیچ نیروی سرکوب گری نمی تواند در مقابل آنها مقاومت بکند و در نهایت این طبقه کارگر هست که پیروز می شود. این نیروی عظیمی هست که دارد چرخ جامعه را می چرخاند و چرخ جهان را می چرخاند همان

۹۹ درصدی هایی که خودت بهشان اشاره می کنی چرا نمی تواند اگر سازمان بدهد خودش را ان یک درصد را تمام بکند. حتما می تواند بنابر این موضوع همین جا هست که الان یک موقعیتی هست که خیلی مهم هست برای طبقه کارگر که بتواند تشکل های پایداریش را برای مطالبات عموم جامعه سازمان بدهد این درست هست که بهر حال اعتراضات همه جا هست مسئله پالایشگاه ها بود پتروشیمی اعتراضاتش بود و کار خانه هی دیگه هست معلمها اعتراضات وسیعی داشتند معدنچی ها اعتراض داشتند همه این اعتراض ها هست ولی این اعتراض ها باید درون خودش در حین این مبارزات کارگرها دارند آموزش می بینند باید بتوانند تشکل های پایدار خودشان را ایجاد بکنند تشکلی که بتواند راه را به اینها نشان بدهد و دائم دارند و این نیرو هست برایشان. این نیرو به کارگر قدرت و توانایی میدهد و نیروی مبارزاتی کارگر را بالا می برد بدون این تشکل ها نمی توان یعنی هرجایی موضوع خاص خودش را ممکن هست داشته باشد.

ببینید مثلا حقوق های معوقه یک جا مسئله هست دست مزد بسیار پایین یکجا مسئله هست اینکه قراردادهای واقعا پایین موقت و سفید اضا یکجایی مسئله هست همه اینها مهم هستند ولی برای گرفتن تک آنها باید متشکل شد و برای گرفتن یک چیز بیشتری برای احاد جامعه برای همان دست فروش و زن کارتون خواب و برای کودک خیابانی این سنش که ما بتوانیم در جامعه به یک حمایت اجتماعی برای کل جامعه دست پیدا بکنیم یعنی مسکن و بهداشت و تغذیه برای همه ازادی قلم و بیان برای همه یعنی اینها چیزهایی هست جامعه بطور کلی بهش ادامه در صفحه ی ۱۴

**مسلمان کیست؟
آکو رضایی**



ابتدای امر باید بدانیم مسلمان کیست؟ و چرا هر کسی به محض به دنیا آمدن در ایران در زمره آمار مسلمین جهان قرار می‌گیرد؟
 خوب با اطلاعاتی ساده می‌دانیم در صدر اسلام هر کس به پیامبر اسلام و وحدانیت الله اعتقاد می‌داشت و با گفتن: اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله به طور اتوماتیک مسلمان و به صفوف جان فدایان پیامبر و یا سایر خلفا در می‌آمد. و قبل از حمله اسلام به ایران می‌خواهم نگاهی اجمالی داشته باشیم به دوران صدر اسلام، زمانی که یاران حضرت کمتر از انگشتان دست بودند، ابتدای امر باید عنوان کنم تمامی چیزهایی که

ذکر خواهیم نمود به استناد می‌باشند و منابعشان: قران، تاریخ تبری، کتاب ۴۰ سال رسالت و پیامبری محمود... بنده به علت محدودیت های بسیار سعی می‌نمایم بسیار به اختصار اندکی از وقایع آن دوران را ذکر نمایم در اصل علت اصلی رشد و پیشرفت سریع اسلام در آن دوران می‌پردازم؛

همیشه این سؤال برایم مطرح بود که چرا آیه های مکی و مدینی که به این درستی نیز در قران تفکیک شده اند، اینقدر متمایز هستند؟ چرا هنگامی که یاران حضرت کم هستند و به قول معروف دستشان به جایی بند نیست (لا اکراه فی دین) در دین اجباری نیست وجود دارد و همه انسان ها سیاه و سفید فقیر و غنی همه برادر و برابرند و هنگامی که تعدادشان افزون می‌گردد دیگر نرمشی وجود ندارد و قاطعانه اعلام می‌کنند یا ایمان بیاورید و یا کشته می‌شوید در راه الله. داستان از این قرار است هنگامی که عرصه را در مدینه به محمد تنگ کردند و جای ماندی برایش نماند با پسر عمیش علی چند تن دیگر از یارانش به مکه و به نزد یکی از طایفه های یهودی به نام بنی قریظه پناهنده شدند و به اسرار خودشان با یهودیان پیمان برادری و مصالحه بستند و علیه دشمن مشترکشان از یکدیگر

محافظة نمایند، در اصل یهودیان فقط می‌خواستند به آنان پناه دهند و کمکشان کنند وگرنه ۱۰ نفر چه حفاظتی از طایفه ای ۸۰۰ نفره که خود دارای برج باروی مستحکمی نیز هستند، می‌توانند داشته باشند؟ یعنی آنان در شهری که دور تا دورش حصار و دیوار بود زندگی می‌کردند. و قبل از محمد نیز اعراب از قدیم رسومی داشتند که در طول سال ۲ ماه آن را محرم و حرام اعلام می‌کردند بدین معنی که در آن ۲ ماه هیچ کس حق جنگ و نزاع نداشت و حتی با غیر عربها نیز نمی‌جنگیدن، و به این قانون نیز بسیار پایبند بودند. و در یکی از این ماه ها که کاروان هایی برای تجارت از اطراف مکه می‌گذشتند، و با علم بر اینکه در آن ۲ ماه اعراب نمی‌جنگند هیچ اسکورت و محافظی برای خود نداشتند که حضرت دستور حمله به آنان را صادر نمود و بسیار راحت همه آنان را خلع صلاح کردند و انانی که مقاومت نمودند، از دم تیغ گذرانند. و این کار را چندین مرتبه تکرار کردند و این اخبار به مدینه و سایر نقاط می‌رسید و افراد زیادی از همه اطراف و اکناف به صفوف راهزنان حضرت گرویدند به طمع پول و ثروت فراوانی که به آنها می‌رسید، جمعیتشان به زودی به حدی شد که حتی کسانی

را نیز که به آنها پناه داده بودند تهدید کردند که یا ایمان بیاورید و تسلیم شوید و یا کشته می‌شوید، و کم کم عده آنان بیشتر از ساکنان مدینه نیز شد یعنی اکثریت جامعه مدینه که افرادی فقیر بودند به نزد پیامبر رفته بودند و به ظاهر یا شاید در اصل ایمان آورده بودند و اکنون هر کدام کلی مال ثروت اندوخته بودند و به مدینه نیز حمله کردند که تسلیم شدن و این سرنوشت کشور ما نیز شد. هم اکنون چه کسانی از ما تا الان قران را به درستی مطالعه کرده ایم بطوری که متوجه بشویم و آن را بفهمیم؟ کدامیک این سؤال را از خود نموده ایم که چرا مسلمان هستیم جز اینست که چون، پدران و پدران آنها نیز مسلمان بوده ایم پس ما نیز هستیم. سؤال دیگری مطرح نمی‌شود و اصولاً چون برای کسی اهمیتی ندارد اصلاً مهم نیست که مسلمان است یا نه چون ما در اصل مسلمان زاده هستیم نه خود مسلمان اگر دقت کنیم درصد ناچیزی از جامعه تمامی فرایز دینی را کامل انجام می‌دهند و هر کس سلیقه ای قسمتی را انجام می‌دهد و دیگری را نه. به امید پیروزی و آزادی ایران عزیزمان

رسول بدایق به پاس هفت سال صبوری همسرش "فروزان عزیزاده":

"قهرمان تویی دلبندم"

چراغ خانه ام تویی روشنایی دل من"

تقدیم به همسر ارجمندم که در طول هفت سال رنج زندان، یک دم از ناگواری زندگی شکایت نکرد، همواره به خاطر آرمانهایم پشتیبانم بود، همچون کوه استوار بود و همچون رود جاری، همچون گل خندان و همچون انسان، فهمیم بود.



گریه کنی اشک تو را پاک کنم / اشک تو در باغ دلم خاک کنم
 خنده کنی ناز تو را من بکشم / عشق تو در سینه ی بی باک کنم
 تابنوازم دل پر ناز تو را / با سخنی قلب تو غمناک کنم
 طعم لببت، در سخن ات تا بچشم / زخم، دل از هر خس و خاشاک کنم
 دار تن ات، تار دلم بافته است / نغمه ی این ساز تو در راک کنم
 کاش که من روزنه ای داشتمی / تا برهم، یافقسم چاک کنم
 راز مرا تاب نیاورده کسی / چاره ی این درد خود از تاک کنم

**بیانیه ندای زنان ایران به مناسبت روز جهانی کارگر
روز اول ماه مه با خواست برابری زن و مرد!!!**

روز جهانی کارگر با خواست برابری زن و مرد



برای همه کارگران به عنوان یک معضل اصلی در محیط های کاری به شمار می آید و برای زنان به طریق اولی این شرایط بی ثباتی شغلی به بار آورده و زنان برای حفظ موقعیت های کاری خود به سخت ترین شرایط تن در می دهند.

مناسبات سرمایه داری موجود، ضدیت با زنان را به حربه ای برای سود آوری هرچه بیشتر بدل کرده و با تکیه بر قوانین و مناسبات ضد زن به بهره کشی هر چه افسار گسیخته ترمی پردازد و سودهای نجومی به جیب می زنند. و از زنان به عنوان لشکر بیکاران فوق ارزان، سود میبرند و به این ترتیب با نابرابری جنسیتی سطح زندگی همه انسانها را به قعر و نابودی کشانده اند. از همین روی خواست برابری زن و مرد مطالبه جدی اول ماه مه می باشد و رفع ستم جنسیتی از زنان باید به خواست مشترک تمام کارگران در گرامی داشت اول ماه مه بدل گردد.

و در روز جهانی کارگری کصدا با هم اعلام میداریم که

رهایی زن رهایی جامعه است

**زنده باد اول ماه مه زنده باد
برابری زن و مرد**

حقوق کردن هر چه بیشتر زنان توسط صاحبان سرمایه می باشد. زنانی که امروز نه پدران و همسرانشان به تنهایی قادر به پشتیبانی مالی از آنان هستند و نه دیگر زنان می خواهند در کنج خانه ها منتظر قضا و قدر باشند و با وجود تمامی موانعی که در راه اشتغال پیش روی دارند مصمم هستند که زندگی کنند و تامین معاششان را خود بر دوش کشند و از همین رو با حقوق و دستمزد بسیار پایین تر از حقوق مردان به کار گمارده میشوند.

در الگوی نیروی کاری با ۴۰ درصد بیکاری زنان تحصیل کرده مواجه هستیم و آمار بیکاری زنان دو برابر مردان بیکار می باشد. و هنگامی که نرخ بیکاری کشور ۱۰٫۵ درصد اعلام میشود بیکاری زنان به بیش از ۲۰ درصد میرسد. هر چند که خیل عظیم زنان خانه دار در هیچ آماری مربوط به اشتغال منظور نمیشود.

وقتی جنسیت زنان مایه فرودستی آنان قلمداد میشود، فرزند داشتن به عنوان یک معضل شخصی در نظر گرفته شده و به این ترتیب تمامی امکانات نگهداری فرزند ان در محیط های کاری برداشته شده است و کارفرمایان خدمات مهد کودک ها و حقوق مربوط به نگهداری فرزندان را حذف کرده اند.

وجود قرار دادهای سفید امضا

میدهند و همواره زنان مورد تحقیر و بیحرمتی جنسیتی قرار میگیرند حتی در بسیاری موارد کارگران زن در سرویس های ایاب و ذهاب هم جداسازی میشوند و گاه به همین بهانه حق سرویس رفت و آمد از زنان سلب میشود و به این ترتیب کم نیست بی حقوقی هایی که بواسطه جنسیت بر سر زنان آوار میشود.

همچنین زنان در صف اول همه بیکارسازیها و ناامنی های شغلی قرار دارند. و تمام این تبعیض ها تنها در محیط های کاری بوجود نمی آید و حرمت و جایگاه انسانی زنان در خیابانها نیز وقتی مورد بازخواست گشت های محسوس و نامحسوس قرار میگردند لگد مال میشود و البته همین بی حرمتی ها دستمایه بی

اول ماه مه، روز جهانی کارگر کوله باری از مبارزات خستگی ناپذیر، برای داشتن یک زندگی انسانی را بر دوش میکشد. کارگرانی که جنگیده اند تا بتوانند از آنچه که به دست خودشان تولید میشود سهمی داشته باشند و تاریخچه ی این روز رنگ تلاش برای مبارزه با نابرابری و تبعیض را بر خود داشته است. و در این میان زنان نه تنها به عنوان تولید کنندگان این جامعه بلکه به عنوان انسانهایی که مورد ستم تبعیض و نابرابری جنسیتی هستند اول ماه مه را روز اعتراض خود میدانند.

با اجرای طرحهای تفکیک جنسیتی در محیط های کار، موقعیت های پست و بدون امکانات را به زنان اختصاص

تحصن پناهجویان در دفاع از حق پناهندگی در شهر گوتنبرگ - سوئد

گزارش اکیسیون اعتراضی در برابر روزنامه «یوتبوری پستن» (در شهر گوتنبرگ) (همراه با عکس)

روز هفدهم ماه مه ۲۰۱۶ به فراخوان پناهجویان متحصن ایرانی و افغانی اکیسیون اعتراضی در راس ساعت ۱۵:۰۰ سه بعد از ظهر مقابل ساختمان بزرگترین روزنامه غرب سوئد «یوتبوری پستن» (در شهر گوتنبرگ) برگزار گردید. این اجتماع در اعتراض به سکوت مدیا و رسانه های سوئد برگزار شده بود. این پناهجویان پس از سالها انتظار و پاسخهای منفی حکم اخراج خود را از اداره مهاجرت دریافت نموده اند. متحصنین معترض خواستار بازتاب و انعکاس شرایط و وضعیت بغایت سخت و دشوار پناهجویان و رسانه ای کردن تحصن اعتراضی خود هستند؛ تا بدین وسیله افکار عمومی را نسبت به شرایط نا امن بودن کشورهای ایران؛ افغانستان و عراق مطلع نمایند.

با آغاز اکیسیون اعتراضی ۲ نفر از روزنامه نگاران به میان تجمع کنندگان آمدند و یکی از آنها با گرفتن عکس از تجمع اعتراضی امروز اظهار داشت که طی روزهای آتی به محل تحصن پناهجویان در میدان برنز پارکن می آیند و رپرتاژ مفصلی در مورد وضعیت و شرایط پناهجویان و خواستهای آنها تهیه و با متحصنین گفتگو و مصاحبه به عمل میاورند. این حرکت اعتراضی در برابر این روزنامه پس از یک ساعت با موفقیت پایان یافت و متحصنین اعلام نمودند تا رسیدن به نتیجه به اعتراض و تحصن خود در میدان برنز پارکن ادامه خواهند داد..

ستاد خبری پناهجویان متحصن در گوتنبرگ - سوئد

هفدهم ۱۷ ماه مه ۲۰۱۶



گزارشی از تحصن پناهجویان ایرانی و افغانستانی در سوید گزارش از: ماریا یوسفزی

جمعی از پناهجویان ایرانی و افغانستانی از روز چهارشنبه ۲۷ ماه اپریل ۲۰۱۶ در اعتراض به تصمیم اداره مهاجرت سوئد مبنی بر جواب رد به تقاضای پناهندگی و صدور حکم اخراج آنان دست به تحصن زدند که این تحصن از ساعت ۱۱ ظهر شروع الی ۶ عصر همه روزه در برنز پارک شهر گوتنبرگ ادامه دارد من ماریا یوسفزی شهروند افغان همکار قلمی نشریه سازمان رهایی زن و فعال حقوق زن که جز تحصن کننده ها هستم .

این تحصن برای دفاع از حق هزاران پناهجویی که با بسیار مشکلات و مشقت به خاطر زنده ماندن و زندگی آرام و مسون از کشور ها جهنمی خود فرار کرده و به جای امن خود را می رسانند اما متأسفانه بعد از ومدت جواب رد میفرسته و به بعد از مدتی طولانی به پرونده هایش رسیدگی صورت نمی گیرد در معرض دبیورت قرار دارند . که این خلاف قانون مهاجرتی است هر انسان حق زندگی را دارد .

متحصنین قرار اطلاعیه قبلی تاریخ ۹ ماه می ساعت ۲ جلو دروازه میگریشن تظاهرات برگزار شد ، متحصنین همراه با پلاکارد و باندرول ها و شعار های صدای خود را بلند کردند و خواستار باز گشایی و رسیدگی به پرونده های خود شدند این متحصنین نظر به مشکل سیاسی و امنیتی که دارند نمیتوانند به کشور خود برگردند خواست شان رسیدگی به پرونده های شان است و به خواسته های خود تاکید کردند که یکی از کارمند اداره مهاجرت به اسم لیف اندرشون (Lief Andersson) آمد و دلیل و خواست های تانرا کتبی ارایه نماید و تمام خواسته ها بزبان سویدی نوشته بود ارایه شد که بعد از مطالعه شخص مسول و صحبت وقت مذاکره را با چهار نماینده تحصن کننده داد که ماریا یوسفزی ، توفیق محمدی ، منوچهر ادمی و محمد لاسکی است وبتاریخ ۱۸ ماه می ۲۰۱۶ ساعت ۱ تعیین شد .

و تاریخ ۱۷ ساعت ۳ متحصنین قرار است جلو دروازه یتبوری پستن تظاهرات برگزار کنند برای آگاهی بخش مدیا سویدن . اطلاعیه ها از طریق حمایت کننده ها و مردم پخش شده است . اگر به خواسته های جواب نگویند ما به این تحصن ادامه خواهیم داد در جریان چند روز تحصن تماس ها و مصاحبه های من و پناهجویان دیگر در رادیو و تلویزیون صورت گرفته!

-رادیو سوید

-رادیو کردستان

-رادیو سپهر

-تلویزیون رهایی زن

-تلویزیون طلوع نیوز افغانستان حمایت کننده!

-انجمن پناهجویان ایرانیان گوتنبرگ

-سازمان رهایی زن

-انجمن کوشا

-کانگرس ملی افغانستان

-انجمن زنان افغان شهر تورلنتان

-انجمن قصه های ایرانی (رادیو سرخ)



<http://rahaizantv.blogspot.com/2016/05/asylum-seekers-show-sangsar-and.html>



<http://rahaizantv.blogspot.com/2016/05/asylum-seekers-suffer-from-years.html>



اعترافگیری از مردان همجنسگرا، شرط صدور کارت معافیت از سربازی

به مناسبت روز جهانی مقابله با هموفوبیا (همجنسگراستیزی) منتشر شد:

گزارش "شش رنگ" از اجرای جدیدترین آییننامه معافیت پزشکی



شادی امین

جا عضو نیستم و کسی را نمیشناسم". این در حالی است که دادن پاسخ مثبت به عضویت در گروههای تلگرام و سایر گروههای همجنسگرایان نیز میتواند در حکم اعتراف به انتشار مطالب مستهجن یا سایر جرائم مربوط به روابط جنسی غیرقانونی باشد که اقرار به انجام عمل مجرمانه دیگری است که در قوانین ایران جرم محسوب میشود.

وی میافزاید: "ازم پرسید چه شغلی را دوست داری و وقتی گفتم کاردرمانی، گفت: تو اگر توانایی داشتی خودت رو درست می کردی!"

پیام که برای خروج از کشور نیازمند معافی بوده، تجربه خود را چنین شرح میدهد: "مرا به بازرسی نظام وظیفه فرستادند. رقوم بالا در بازرسی که مرا به اتاق رییس فرستاد. رییس شروع به طرح سوالات خصوصی کرد. مثلا پرسید "مفعول هستی یا فاعل؟" و بعد از کلی سوال در مورد پارتنرم، برگه معافیت شش ماهه را با گرفتن وثیقه ۱۵ میلیونی برای قطعیت بازگشت به کشور صادر کرد که پایین آن تعهد بازگشت تا تاریخ معینی را دادم."

از تمامی کسانی که به دلیل همجنسگرایی درخواست معافیت از خدمت نظام وظیفه را میکنند، تست روانشناسی (MMPI) - (۲) معروف به تست مینه سوتا گرفته میشود که ۵۶۷ سؤال

زندگی خود را در آن بنویسند، "پوزیشن جنسی" خود را ذکر کنند و نام و مشخصات شریک جنسی و یا دوست پسر خود را بگویند و اینکه با چه تعدادی تا کنون رابطه جنسی داشته اند. یکی دیگر از کسانی که تجربه خود را با شش رنگ مطرح کرده است، در مورد تجربه اش در بازرسی نظام وظیفه میگوید: "پس از طی این مرحله پایین فرم نوشت "بیماری غیر مشهود مشاهده شد (هموسکشوال)" و گفت برو تا نامه بیاید برای رفتن به بیمارستان و تست مجدد در بخش اعصاب و روان بیمارستان بقیه الله".

در هر یک از مراحل گرفتن معافیت خدمت و حتی تا چند روز مانده به صدور کارت، بازرسی نظام وظیفه ممکن است فرد متقاضی را احضار کند. یونس که برای دریافت معافی به بازرسی نظام وظیفه ارجاع داده شده میگوید: "در بازرسی نظام وظیفه که کارش تدقیق دلایل معافیت است، مسئول آنجا از من پرسید، دوست نداری دوست دختر داشته باشی و فاعل باشی و ارضا شوی؟ چند تا پارتنر داری؟ چقدر پول میگیری؟ چرا دعا نکردی که خوب شوی و خدا درمانت کند؟ توی رابطه احساس گناه نمی کنی؟ و یا سوال کرد که چه کسانی را در گروههای گی تلگرام و لاین و... میشناسم و به آنها نشان دهم که من هم گفتم هیچ

ذکر شود بخش ۵، بند ۷، معلوم میشود که فرد دارنده آن کارت یک همجنسگراست.

مصاحبه های مفصل شش رنگ با هشت مرد همجنسگرای مقیم ایران نشان میدهد که از اوایل سال گذشته رویه های تازه ای در نیروی انتظامی برای تشخیص درستی ادعای متقاضیان معافیت به دلیل همجنسگرایی شکل گرفته که نه فقط طولانی و تحقیرآمیز است و حقوق ابتدایی افراد را نقض میکند بلکه روندی است که در آن متقاضیان ناگزیر به اعتراف به داشتن رابطه جنسی با همجنس خود و پاسخ به سئوالاتی درباره جزئیات رابطه خود میشوند. اسد که پس از نزدیک به دو سال توانسته معافیت دائم خود را بگیرد میگوید: "آدم میفهمد که اگر بگوید هیچ رابطهای نداشته ام، ممکن است معافش نکنند". این مصاحبه ها که با افرادی است که به تازگی معافیت پزشکی به دلیل همجنسگرا بودن را گرفته اند، نشان میدهد این رویه ها در سال جاری پیچیده تر و طولانی تر شده است و میزان اطلاعات ثبت شده درباره هر فرد همجنسگرا، به مرور افزایش یافته است.

شش رنگ، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۵ مردان همجنسگرا در ایران برای معافیت از سربازی باید خصوصیتترین اطلاعات مربوط به روابط جنسی خود را در اختیار نیروی انتظامی بگذارند. این در حالی است که داشتن روابط همجنسگرایانه در ایران جرم است و مجازاتهایی از صد ضربه شلاق تا اعدام را در بردارد.

گزارشهای مستند رسیده به شش رنگ حاکی از آن است که به بهانه اجرای جدیدترین آیین نامه معافیت پزشکی از خدمت نظام وظیفه، پلیس ۱۰+ معاونت نظام وظیفه نیروی انتظامی در



تصویر کارت معافیت از سربازی به دلیل همجنسگرایی

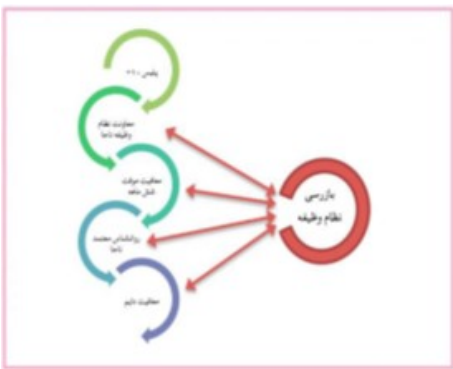
همجنسگرا بودن را گرفته اند، نشان میدهد این رویه ها در سال جاری پیچیده تر و طولانی تر شده است و میزان اطلاعات ثبت شده درباره هر فرد همجنسگرا، به مرور افزایش یافته است.

تجربه های همجنسگرایان در نظام وظیفه

به بسیاری از درخواست کنندگان معافیت در مراحل مختلف در مراکز پلیس+ ۱۰، نزد پزشکان و روانپزشکان و حتی پس از صدور برگ معافیت دائم، برگهای داده میشود تا تمام روند

حال ثبت خصوصیتترین اطلاعات مربوط به گرایش و رفتارهای جنسی متقاضیان معافیت به دلیل همجنسگرایی هستند. اطلاعاتی که مشخص نیست چه کاربردهایی در آینده پیدا کنند.

با تغییرات قانونی جدید همچنین امکان شناسایی همجنسگرایان مرد توسط مقامات انتظامی و قضایی، کارفرمایان و مسئولان مراکز آموزشی با یک نگاه به کارت معافی از خدمت فراهم شده است. به بیان دیگر در صورتی که روی کارت معافی



نمودار روند اخذ معافیت پزشکی به دلیل همجنسگرایی

دارد. این تست اگر با نام و مشخصات فرد صورت گیرد، اطلاعات بسیار مهمی در مورد شخصیت، رفتار و روحیات فرد و همچنین اعتقادات و منش سیاسی و اجتماعی وی را در اختیار مقامات و نهادهای امنیتی میگذارد. همچنین آنها موظفند که در دوره شش ماهه معافیت موقت، چندین جلسه مشاوره روانشناسی با روانپزشک مورد اعتماد نیروی انتظامی بگذرانند.

منصور درباره جلساتی که با یکی از این روانپزشکان در تهران داشته است میگوید: "دکتر چند بار با یک حالت مچگیری گفت چند ساله اینجوری شدی و چرا اینجوری شدی و هر سری برات توضیح میدادم که بابا از اول همینجوری بودم تا جایی که یادمه، از کار و خانوادهم میپرسید و اینکه چرا عکست رو با دوست پسرت نیاری من ببینم. خب من هم نمیتونستم عکسهای خصوصیم رو بهش نشون بدم که و هی پیچوندمش. جلسهای چهارم گفتش به نظرت چطوری میشه تشخیص داد که واقعا یک نفر گی هست یا نه و داشت از من نظرخواهی میکرد که آیا تجربه ارتباط با این افراد کمکی میکنه به شناختشون یا نه و به نظرم چند درصد [متقاضیان معافیت] واقعا گی هستن و چند درصد استریت یا بایسکشوال".

جدا شدن ترنسها از همجنسگرایان در قانون

طبق قوانین ایران، همه افراد مذکر بالای ۱۸ سال باید به مدت ۲۴ ماه، در دوره خدمت نظامی اجباری (وظیفه) حاضر شوند. ابتلا به برخی از بیماریها میتواند به معاف شدن فرد از خدمت و وظیفه (سربازی) منجر شود. در آیین نامه‌های قبلی، نیز همجنسگرایی و ترنسکشوالیتی را به‌عنوان کژخوبیهایی که مغایر با شئون اجتماعی و نظامی است در زمره بیماریها و انحرافات اخلاقی و جنسی طبقه‌بندی کرده بودند که مبتلایان به آن طی شرایطی از خدمت

سربازی معاف میشدند. در ایران همجنسگرایان و ترنسکشوالها از خدمت نظام وظیفه معاف هستند. تا پیش از اجرایی شدن آیین نامه جدید معافیت پزشکی، هر دو این افراد طبق یک بند و تحت عنوان کلی اختلالات رفتاری در بخش بیماری‌های اعصاب و روان از خدمت اجباری سربازی معاف میشدند. اما پس از تغییر قانون و شکلگیری تدریجی رویه‌های جدید، اگر چه همجنسگرایی و ترنسکشوالیتی هنوز به عنوان بیماریهای اعصاب و روان شناخته شده‌اند اما دو بند جداگانه و مشخص به آن اختصاص داده شده است که به عنوان دلیل معافیت روی کارت می‌آید و مشخص میشود.

براساس آنچه در کتاب جنسیت

X مستند شده است، مجموعه‌ای از عواملی چون محرومیت از اشتغال، آزارهای جنسی و کلامی در جامعه یا هنگام برخورد با نیروهای انتظامی و ماموران و مسئولین دیگر موجب شد گروه‌های مختلفی از ترنسها، برای تغییر آن چه روی کارت معافیت خدمت آنها نوشته میشود و به امید بهبود وضعیت حقوقیشان، به نهادهای ذیربط از قبیل بهزیستی و سازمان نظام وظیفه مراجعه کنند. در نهایت، در شهریور ۱۳۸۸، رییس سازمان نظام وظیفه در بخشنامه ای به ادارات نظام وظیفه در سراسر کشور، دو تغییر در روند صدور کارت معافیت از خدمت برای همجنسگرایان و ترنسکشوالها به وجود آورد: نخست اینکه به جای بند ۸ ماده ۳۳، که آنها را به عنوان "بیماران اعصاب و روان" معاف دائم کنند، آنها را به عنوان بیماران اعصاب و روان معاف کرده و یک کارت معافیت موقت شش ماهه به آنها داده شود و این شش ماه، یک بار دیگر نیز قابل تمدید باشد. این اصلاحات در سال ۱۳۹۳، وارد آییننامه شد که به موجب آن، معافیت دائم برای "دارندگان انحرافات جنسی" در اولین مراجعه حذف

شد و به جای آن به مراجعان معافیت شش ماهه موقت داده میشود.

به بیان دیگر، آییننامه جدید که در سال ۱۳۹۳ تصویب و در نزدیک به دو سال گذشته به تدریج اجرایی شده است، دو ویژگی دارد: یکی اینکه همجنسگرایی را از ترنسکشوالیتی جدا میکند و دیگر آنکه ترنسکشوالیتی را از زمره انحرافات

اخلاقی بیرون می‌آورد و معافیت دائم را بدون روند شش ماهه معافیت موقت برای آن در نظر میگیرد. با این همه، هنوز هم طبقه‌بندی هر دو، زیر عنوان بیماریهای اعصاب و روان (بخش پنجم)، مجدداً، معاف شدگان را با مشکلات متعدد در زمینه

کاریابی، تحصیل و حتی ازدواج (برای افراد ترنس)، هنگام استفاده از این معافیت رو به رو خواهد ساخت.

مهر معافی با داغی بر پیشانی مادامی که در قوانین ایران، همجنسگرایی جرم و مستوجب مجازات است، با اجرای آییننامه جدید بر تمامی مقامات و مسئولانی که در جریان صدور کارت معافیت از خدمت نظام وظیفه قرار دارند، و بر تمام کسانی که ممکن است زمانی نیازمند روشن شدن وضعیت خدمت فرد باشند، روشن میشود که فردی که براساس بند ۷ معاف شده است، یک همجنسگراست و در تمام زندگیش نیز هر کجا که به کارت پایان خدمتش نیاز داشته باشد، همچون "داغی" بر پیشانی باعث آشکار شدن گرایش جنسی وی و ایجاد خطر برای وی خواهد شد.

آیین نامه معافیت پزشکی از خدمت نظام وظیفه، یک سند قانونی است که نشان میدهد همجنسگرایی و ترنسکشوالی از نظر رسمی به عنوان بیماری طبقه‌بندی شده است. این در حالی است که سازمان بهداشت جهانی نزدیک به سه دهه است که همجنسگرایی را از لیست بیماریهای روانی خارج کرده

است و در سالنامه آماری انجمن روانپزشکان آمریکا که یک مرجع بین المللی است، در سال ۲۰۱۴ اختلال هویت جنسی (ترنسکشوالیتی) نیز از زمره اختلالهای روانی خارج شده است.

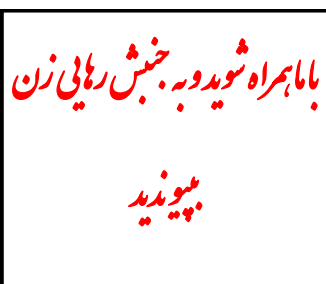
با وجود این در شرایط ایران به نظر میرسد که همجنسگرایان مرد راه دیگری جز طی اجباری روند معافیت از سربازی که لازمه آن اقرار به داشتن روابط جنسی با همجنس است ندارند. گرفتن معافیت برای بسیاری از همجنسگرایانی که ظاهراً یا

رفتارشان با نرمهای اجتماعی مورد قبول برای مردان همخوانی ندارد و با توجه به محیط خشن و هموفوب محیطهای نظامی، و برای فرار از رویارویی با تحقیر و تجاوز و ناامنی هرروزه امری ضروری است. از سوی دیگر کسانی نیز که قصد خروج از کشور را دارند، برای گرفتن پاسپورت یا باید ۱۵ میلیون تومان به عنوان وثیقه بپردازند و یا معافیت دائم داشته باشند.

به این ترتیب بخش وسیعی از مردان همجنسگرا، مجبور هستند برای گرفتن معافیت اقدام کرده و اطلاعات خود را در اختیار نیروی انتظامی بگذارند. اطلاعاتی که میتواند در زمان مقتضی برای نهادهای سرکوب، برای افراد همجنسگرا با خطر آزار، تعقیب و حتی خطر مرگ همراه باشد.

شبکه لژیونرها و ترنسجندرها ایران (شش‌رنگ)

۱۷می ۲۰۱۶، روز جهانی مقابله با هموفوبیا



موج مبارزه با بدحجابی یا شروع آزار و اذیت زنان
دل آرام آزمون



با به پایان رسیدن فصل انتخابات باز هم اتومبیل‌های گشت ارشاد در میادین و مقابل پاساژها و مراکز رفت و آمد مردم و بخصوص جوانها مستقر شدند همزمان با آغاز فصلگرما برای آزار و اذیت زنان و دختران شهر دوباره دولت محترم آستین‌ها را بالا ز

ده تا میادا فراموش شود وظیفه ای نه نظام تنها توجه ویژه به حجاب بانوان است و نه هیچ چیز دیگر. البته این موضوع تازگی ندارد و لی تنها برای مدتی که این دولت مشغول فریب مردم برای رای گیری است به این موضوعات اهمیت نمیدهد اما همینکه دغدغه د ولت‌مردان از این بابت ها حل میگردد دوباره آزار و اذیت مردم و به نوعی مشغول کردن ذهن مردم به م شکلی تازه آغاز میشود. امسال علاوه بر ماشین های گشت همیشه گروهای دیگری به شکل مخفیانه به نام گشت نامحسوس ارشاد با سازماندهی ۷ هزار نفر قرار است مردم تهران را تحت نظر قرار بدهد و برای بدحجابان تشکیل پرونده بدهد به شکلی که حتی اگر خانمی درون اتومبیل خود حجاب مناسب نداشته باشد

یاصدای موزیک از درون خود و به گوش برسد افرادی شماره آنها را به پلیس بدهند و پلیس و یا بهتدراست بگوئیم از طریق ماموران حکومتی و ارشاد پیگیری انجام شود. ماه گذشته ایت الله نوری همدانی از اخوندهای مرتجع قم خواستار اخراج زنان از ادارات به بهانه بدحجابی شد، وی طی دیداری که بد اصناف رژیم داشته گفته است که اگر رییس جمهور و همه وزرا بد این موضوع تاکید کنند که اگر خانمی که کارمند یک اداره است به دلیل مشکل بدحجابی اخراج شود و موضوع بدحجابی در ادارات و جامعه حل خواهد شد. و نیز ایت الله دیگری بنام احمد علم الهدی امام جمعه مشهد) در رابطه با این سوال که بدحجابی بدتر است یا اختلاس پاسخ داده است که بدحجابی را گناهی بزرگتر از اختلاس دانسته و نیز ادامه داده است که فرد بدحجاب مانند

شیطان باعث انحراف افراد زیادی میشود ولی فردی که دزدی و اختلاس میکند فقط در حق خودش مرتکب گناه شده و گناهش تنها خود او را منحرف میکند. در چنین جامعه ای که چنین افکار مسمومی بر علیه زنان و دختران در ذهن بسیاری تزیق میگردد کاملاً مشخص است که نگاه مردان و جوانان که تحت تاثیر این سخنان قرار میگیرند نسبت به بانوان خصمانه میشود و این جامعه در نهایت به سمت و سوی جامعه ای بیمار پیش خواهد رفت. جامعه ای که هر روز شاهد مواردی چون ضرب و شتم و اسید پاشی و برخورد ای غلط و غیر انسانی علیه بانوان می باشیم. جامعه ای که متأسفانه هر روز بیشتر به سمت قهقرا و توحش گام برمیدارد

نرگس محمدی بار دیگر به ۱۰ سال زندان محکوم شد

نرگس محمدی، نایب رییس کانون مدافعان حقوق بشر که اینک دوران محکومیت خود را در زندان می‌گذراند، بار دیگر به ده سال حبس محکوم شد.



جلسه رسیدگی به اتهام‌های نرگس محمدی صبح روز چهارشنبه، اول اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی صلواتی برگزار شده بود. به گزارش سایت کانون مدافعان حقوق بشر، به موجب رأی دادگاه، خانم محمدی به استناد مواد ۵۰۰، ۶۱۰، ۴۹۸ و ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، در مورد اتهام اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور به تحمل پنج سال و در مورد اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به تحمل یک سال حبس و در مورد اتهام تشکیل و اداره گروهک غیرقانونی لگام به تحمل ده سال حبس محکوم شده است. ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی در مورد تعدد جرم مقرر می‌دارد که هرگاه عناوین ارتكابی بیشتر از سه جرم نباشد، رعایت حداکثر مجازات تعیینی اعمال می‌شود. بنابراین با این تجمیع، خانم محمدی به ده سال حبس محکوم شده است. تقی رحمانی، همسر نرگس محمدی در واکنش به صدور این حکم از سوی قاضی صلواتی گفت که گویی قاضی پرونده فقط به دنبال بهانه‌گیری لازم برای بالا بردن محکومیت وی

بوده است در حالی که حتی آقای جواد لاریجانی و دیگر مقام‌های قضائی نیز از لزوم تغییر برخی احکام از جمله اعدام سخن گفته‌اند. خانم محمدی از سال‌ها قبل در جهت اصلاح برخی قوانین از جمله مجازات اعدام و ضرورت جایگزینی برخی مجازات‌ها تلاش‌هایی کرده است.

آقای رحمانی با تکذیب این خبر که خانم محمدی به ۱۶ سال حبس محکوم شده است، مؤسس بودن او در گروه لگام را نیز رد کرده است.

بیانیه و گزارش ۱ می روز جهانی کارگر در شهر شتوتگارت - آلمان

اول ماه می روز قدرت نمایی طبقه ی کارگر علیه نظام سرمایه داری

۱ می روز جهانی کارگر، روزی که پلیس بروی صدها کارگر معترض برای کاهش ساعت کار، آتش گشود و با اعدام ۸ نفر از رهبران کارگری در شیکاگو، این روز بنام کارگر نام گذاری شد. اول ماه می، سمبل مبارزات کارگران بر علیه سیستم نظام سرمایه داری است. روز قدرت نمایی طبقه کارگر بعنوان یک طبقه ی قدرتمند علیه بورژوازی ست. روزی که کارگران دست در دست هم با اتحاد و یکپارچگی خواست و مطالباتشان را مطرح می کنند.

امسال در حالی روز جهانی کارگر را برگزار می کنیم که با وجود تمام امیدهایی که طبقه ی بورژوازی جامعه به دولت امید و اعتدال روحانی بعد از برجام به دولت بسته بودند. بالغ بر ۵۰۰۰ اعتصابات کارگری، در اعتراض به معیشت زندگی، عدم پرداخت سالانه های دستمزدها و اخراج های گسترده شکل گرفته است و دولت به وضعیت کارگران و خانواده هایشان که روز به روز در سنگینی بار فشار اقتصادی و گرانی کمرشان خم شده نه تنها جوابگو نیست بلکه فعالین و رهبران کارگری را با احکام سنگین، با حبس های طولانی محکوم کرده و رهبران و فعالین کارگری در شرایط غیر قابل تحمل و عدم رعایت حقوق انسانی و حقوق بشری، درون زندان مجبور شده اند دست به اعتصاب غذا بزنند و در سیاه چال های جمهوری اسلامی جان شان در خطر مرگ و مبتلا شدن به انواع بیماری ها و تهدید و شکنجه قرار دارند.

در چنین وضعیت اسفباری، اولین کسانی که تحت فشار شدید هستند خانواده های کارگری و زنان کارگر هستند. زنان کارگری که اولین قربانیان اخراج ها هستند و نزدیک به سه میلیون زنان سرپرست خانواده با دستفروشی مخارج حداقل سه تا چهار نفر از اعضا خانواده را تامین می کنند و از هیچگونه حمایت بیمه های درمانی و بازنشستگی بهره مند نیستند. تبعات اخراج کارگران، قربانیان زیادی دارد کودکانی که با اخراج نان آوران خانواده، تبدیل به کودک کار و خیابان می شود و آمار کودکان کار روز به روز در ایران رو به افزایش است و نزدیک به ۵ میلیون کودک کار و خیابان در ایران مشغول به کار هستند که از حق تحصیل و زندگی و رفاه محروم هستند.

ما در چنین روزی حضور پیدا کرده ایم تا صدای فعالین و زندانیان سیاسی باشیم که در زندان های جمهوری اسلامی به تدریج دارند جان می دهند و خطر مرگ آنها را تهدید می کند و نباید بگذارید دیگر رهبران کارگری به سرنوشت شاهرخ زمانی ها دچار شود. صدای زنان کارگری باشیم که در نظام سرمایه داری با قوانین شرعی و اسلامی از تبعیض و ستم مضاعفی رنج می برند و با بیکار شدن و رسیدن به بن بست، به ناچار برای تامین نان کودکانشان به تن فروشی روی می آورند. صدای خاموش کودکان کاری باشیم که کودکی شان در هیاهوی دروغ های دولت بورژوازی ایران گم شده و خطر مبتلا شدن به انواع بیماری ها و خصوصا ایدز آنها را تهدید می کند و رویاها و بازی های کودکی را باید به دست فراموشی بسپارند و نان آور خانواده باشند.

جان فعالین کارگری و فعالین سیاسی و عقیدتی در خطر است. رهبران کارگری جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبدی از فعالین کارگری به جرم دفاع از حق کارگر، امیر امیرقلی و امید کویکی و حسین رونقی از فعالین اجتماعی دست به اعتصاب غذای خشک زده اند و جانشان در خطر است. صدای اعتراض آنان باشیم.

زنده باد اول مه روز همبستگی طبقاتی کارگران جهان

مرگ بر جمهوری اسلامی

سازمان رهائی زن

انجمن خلق های ایرانی شتوتگارت



Poems by: Nasrin Parvaz

First Published in: Live Encounters Poetry March 2016

<http://liveencounters.net/2016/02/18/live-encounters-poetry-march-2016-2/>

بیوگرافی و چند شعر از نسرين پرواز

Biography:

Nasrin Parvaz became a civil rights activist when the Islamic regime took power in 1979. She was arrested in 1982, tortured and spent eight years in prison.

After her release in 1990, Nasrin resumed her activities and once again she found herself being followed by Islamic guards. She realised she could no longer stay in Iran and she fled here to England, where she claimed asylum in 1993.

Nasrin's prison memoir was published in Farsi in 2002. A summary of her memoir was published in Feminist Review (number 73) in 2003; and it was published in Italian in 2006 by Effedue Edizioni.

A novel, Temptation, based on the true stories of some male prisoners who survived the 1988 massacre of Iranian prisoners was published in Farsi in 2008.

One of Nasrin's short stories, A war against womanhood, won the Women's World Award in 2003; in 2010, another was longlisted for the Bristol Short Story Prize and a third shortlisted for the Asham Award. Since 2005, together with poet Hubert Moore, Nasrin has translated poems, prohibited in Iran, from Farsi into English. They appear in the Modern Poetry in Translation series, and one, 'Dear Fahimeh', was republished in Fire in the Soul: 100 poems for human rights (New Internationalist, 2009).

Nasrin's stories appeared in Exiled Writers Ink, and two of her poems were published in Over Land, Over Sea, Poems for those seeking refuge, published by Five Leaves, in 2015.

Love

You were the finest man I'd ever known
but I was in love with someone else.
That day you told me you loved me
my heart sank
I stayed silent, I felt miserable.

How did I know
two days later you would be arrested
for organising workers?
And in a month the crack of gunfire
would stop your loving heart?

How could you know
thirty years on
in my mind's eye
you're still the same fine young man
being shot again and again?

I see you in that final moment end-
lessly.

*

Farewell in spring

They came to his wedding
to ask him to come with them to
help with their enquiries.

He said farewell to each of his
guests.

Kissing his bride
he said, 'Be brave. Don't cry.'

Then they took him away.
'He'll be back in two hours,' they
said.

The guests stayed with the bride
waiting.
The sun set and night came
but he didn't come back.

Next day
his name was on the list
of the executed in the daily *infor-*
mation.

*

**"A Little Knowledge is a
Dangerous Thing"**

You could say Chelsea Manning is
lucky
to be in solitary confinement.

Asghar Pirzadeh solved the mys-
tery
of why half the people in Ardabil
were getting cancer.
The local water
had been contaminated and was
radioactive.

His mutilated body was found soon
afterwards.

Peace treaty

I called my mother
she was happy like a young girl
pleased about the treaty
believing America wouldn't at-
tack Iran
and people wouldn't be maimed
and killed
and the country wouldn't be
ruined like Iraq.
Even though she was very hap-
py, she was also upset
about the husband of a poor
cleaning woman she knew
her husband's right hand
and left leg had been amputated
on the same day
the peace treaty
was signed.
He had been caught
stealing food.

نیايند دست فروشی بکنند. اين اينطور پيش نخواهد رفت واقعا هر روزی که ما کوتاهی می کنیم و کم تلاش می کنیم برای اینکه متشکل بشویم همان روز هایی هست که ما کسايی مثل عساکره و هزاران انسان ديگري را که اين وضعيت را نمی توانند تحمل کنند دست به خود کشي ميزنند. ان چیزی که رژیم می خواهد.

ولی اگر یک روزی ما اين تلاش هايماي به نتيجه برسه و بتوانيم متشکل بشويم باور کنید هيچ کسی از اين که طبقه کارگر هيچکس پشتش نيست و از اين بی پناهی دست به خود کشي نخواهد زد. تلاش بکنيم از نان شب بر ما واجب تر هست که متشکل بشويم در همچين موقعيتی و بخصوص بتوانيم مبارزاتمان را در سطح جهانی پيوند بدهيم. بايد اين حساسيت ها را بالا برد. اگر در خيابان زنی را دارند می زنند نبايد از کنارش به راحتی رد بشويم. يعنی اين حسی را مه اين سعی کردند با سرکوب ما را بترسانند و با سرکوب سعی کردند بگویند که بالاخره هر کسی گليم خودش را از اب بکشد و به ديگری کاری نداشته باشد. بگذاريد من یک مثالی را در رابطه با خودم بزنم.

من توی زندان در سال ۶۱ توی بند داشتم قدم ميزدم ديدم یکی از هم بنديهای ما برده بودند باز جویی شدت شکنجه کرده بودند و به کف پاهاش شلاق زده بودند که اين دختر را وقتی آوردند انداختند جلوی در بند ديگه نمی توانست روی پاهاش باشد و با باسنش خودش را می کشيد و ميامد جلو من دويدم و سعی کردم که زير بغلش را بگیرم و کمکش کنم که روی پاهای خودش بایستد و بتواند راه برود تا بتواند بيايد توی اتاق تا بتوانيم کمکش کنیم. اين بزرگترین جرم من بود و به خاطر همین من را دو سال بردند به انفرادی و به شدت من را مورد ازار و اذيت قرار دادند و اين بود که تو چکار داشتی با ان و تو نبايد بهش کمک می کردی و تو بايد ياد بگیری که کاری به کار ديگران نداشته باشی و من هم گفتم اين غريزي و انسانی هست و شما نمی توانيد که من را تا اين حد غير انسان بکنيد توی زندان که وقتی می بينم یک انسان ديگه احتياج به کمک داره بهش کمک نکنم نه من اين کار را نمی توانم بکنم و متحمل ان فشار ها هم شدم. می خواهم بگم که يعنی اينجوری هستش که اينها سعی می کنند ان حس انسانی ما را از ما بگیرند. سرکوب فقط اين نيست که یک نفر را ميبرند زندان جامعه را ميترسانند.

اينکه اينها می گویند هفت هزار نفر پليس نا محسوس گذاشتند که مردم را بپايند يعنی اينکه تو را بترسانند و ما نبايد بترسيم. چون هرچه که ما عقب نشيني بکنيم چه ما را انجا بکشند و چه از گرسنگی بميريم. بهتر پس اين هستش که تلاش بکنيم برای زندگيمان و ما بارها تجربه داريم و همه دنيا اين تجربه را دارند که هر وقت کارگرها متشکل به ميدان امدند عقب نشينند. ما در همین سوئد هم وقتی مهاجرها دارند می ايند به استقبالشان نريم از بچه هاشون مراقبت نکنيم و راه و چاه زندگی را بهشان نشان ندهيم و وقتی که می خواهند حقوق هایشان را پايين بياورند اعتراض نکنيم اينها هم همین طور اينه هم حمله می کنند. یک ميدان مبارزه هولناکی شده بود اين چند وقت پيش در سوئد سر مسئله خارجی ها همش می گفتند اينها دارند می ايند اينجا اينها اين کار را می کنند اينها خانه می خواهند اينها بهداشت و اين مسائل را می خواهند ولی اشاره نمی کردند که چرا اينها دارند می ايند. جنگ افروزی کرديد در سرزمينهای اينها که مجبور شدند فرار کنند. همین شماهایی که با فروش اسلحه بيشترين سودها را انجا برديد الان اگر یک درصد ان سودهتون هم خرج بکنيد برای اين پناهنده ها همشان صاحب خانه و امکانات خواهند شد. بايد در مقابل اينها ما به ايستيم و حق با ماست اينها دارند اين بلا ها را سر طبقه کارگر می اورند. سرمايه داری را در نهايت قوانين و اين سيستم و نظامش را باد سرنگون کرد و به یک عدالت اجتماعی رسيد. هرگامی که

میگیرند. اگر ان کار عام المنفعه باشه مثلا مثل اين بچه هایی که می خواهند برای تيمشان یک مقدار پول جمع کنند خوب اين ديگه به شهرداری پول هم نمی دهد. براحتي اجازه میگیرد که در ميدان شهر یک چیزهایی که دست دوم هست و يا با شيرینی پختن بتوانند برای تيمشان پول پس انداز کنند. و يا سالمند هستند و حقوق و درامدشان کم هست بخصوص در مورد خارجی ها که باز نشستگی های کمتری دارند. شايد در چهل و پنجاه سالگی امدند در اين کشورها و بازنشستگیشان اينقدر نيست که بتوانند زندگیشان را تامين بکنند اينها هم شهرداری یک محل هایی را در نظر گرفته و با یک هزینه کمی به اينها اجازه ميدهد که دست فروشی بکنند. بهر حال اينجا ان شرايط نيست. تازه خود اينها ازشان تشکر می کنند که اينجوری سعی می کنند یک بخشی از هزینه هاشان را خودشان بوجود بياورند. و يا ان بچه هایی که دارند ان تلاش ها را برای تيمشان می کنند. و اينها خیلی از اين ابتکارات تشکر و پشتبانی می کنند و می دانند که اينها وظيف دولت ها هست که فراهم بکنند. بهر حال اينجا هم یکسری بحران هاست و به بهانه های مختلفی سعی می کنند که دستاوردهای مبارزاتی مردم را زير بگیرند و امکانات را یک مقدار کمتر می کنند. بهر حال می خواهم بگويم که وضعيت ايران را شما نمی توانيد با اروپا و کشورهای ديگه که اينها مثال ميزند که مثلا شما در مترو شما اصلا از اين چیزها نمی بينيد. بخاطر اينکه مردم از یک حداقل های حمايت های اجتماعی برخوردارند در ايران نه شما چه انتظار داريد؟ انتظار داريد که مردم فقير مردمی که بهشان کار نميدهيد و از هيچ تامين اجتماعی برخوردار نيستند از گرسنگی بميرند و

نيازمند هست که تا ديگه کسی حداقل زندگی که خودش دارد تلاش می کند اينها جرات نکنند طوری برخورد بکنند بهش که انگار ان مجرم هست شماها مجرم هستيد که اين کارگر و دست فروش را و کارتون خواب را با ان سياستها و دزدی هاتون انها را به اين روز انداختيد. بنابراین ما بايد شماها را به عنوان مجرم به اين شرايط بگيريمتان و محاکماتان کنیم. شما وقتی می توانيد به ما اين برخورد ها را بکنيد برای اينکه ما خودمان را سازمان نداديم. برای اينکه وقتی شما می توانيد هفتاد هزار نفر را استخدام بکنيد که يواشکی ما را بپايند برای اينه که ميترسيد از ان نیروی ما ميترسيد از اينکه ما متشکل و متحد بشويم و بتوانيم قدرتمند در مقابل شما بيايم. اينکه فکر کنیم دائما دارند ما را می پايند و هيچ کاری نکنيم اين اتفاق خواهد افتاد. می خواهيم بگويم که ما مجبوريم. دستفروش مجبور هست برای اينکه معاش زندگيش را بکند. شما با بگیر و ببند نمی توانيد کاری بکنيد. کارتون خواب را با عقيم کردن و کشتن نمی توانيد چراکه هر روز داره به اين افراد اضافه ميشود. کار نيست و بيکاری است و هيچ حمايت اجتماعی نيست. ايران را با کشورهای ديگر مقايسه نکنيد که در مترو هاشون چقدر آرامش هست و مغازه ها هستند و کسی دست فروشی نمی کند. اينجا دست فروشی نمی کنند چرا که یک حداقل حمايت های اجتماعی برخوردار هستند. مثلا در همین سوئد کسايی که باز نشسته هستند و حقوق بازنشستگی زيادی ندارند و يا بچه های دبirstانی و جوانهایی هستند که می خواهند مسافرت بکنند و يا یک تيمي هست که احتاج به پول بيشتری دارند برای سفر رفتن و غيره خوب ميروند از شهرداری اين امکان را

برمیداریم و هر اعتراضی که ما داریم می‌کنیم باید هوشیارانه باشد. این که اعتراض و تاکتیک رو باید به طبقه کارگر این قول را بدهد که به نیروی خودت متکی باش و به ان سازمان بده و به نیروی خودت باور داشته باش و نباید به دنبال تاکتیک‌هایی برویم که نیروی ما را به اسارت در بیاورند. اینکه شما مدتها نیرو بگذاری و اینکه شما بخواهی امضا جمع کنی و به وزیر بدهی چه افقی را شما به طبقه کارگر می‌دهید. کدام افق‌هایی را بهش می‌دهید وقتی شما این کار را زمانی دارید می‌کنید که هیچ اهرم فشاری برای اینکه همین امضا هاتون را به کرسی بشانید و از این وزیر و وکیل بخواهید ندارید. این تاکتیک چه معنی میدهد. بهر حال من میدانم که همه شما عزیزان دلسوز هستید ولی هوشیارتر اجازه ندهید که این دیکتاتوری با این فشارهایی که روی ما هست ما هل بدهد به راه‌هایی که به بن بست ختم می‌شود. ما باید با افق طبقاتی خودمان با نیروی عظیم جهانیمان به همدیگر کمک بکنیم. افقهای تازه ایی برای مبارزه مان تاکتیکهای رادیکال تری را برای مبارزه مان انتخاب بکنیم تا بتوانیم در مقابل این نظام به ایستیم. امیدوارم امسال روز یازده اردیبهشت روزی باشه که در درجه اول چون روز همبستگی جهانی طبقه کارگر هست و یک روز بسیار مهمی هست که در همه جای دنیا کارگرها آمدند و به این سیاستهای سرمایه داری در جهان دارند اعتراض می‌کنند ما در ایران در درجه اول این همبستگیمان را با کارگرهای افغانستانی و با همسایه مان نشان بدهیم. اجازه ندهیم خانه کارگری ها این ها را چماغ سرکوب ما بکنند. اینها نیروی طبقاتی ما هستند و اجازه ندهیم که آنها اینها را به عنوان نیروی سرکوب بدست بگیرند. ما هم در اینجا همینجوری هست ما هم الان مهمترین مسئله ایی که در سوئد

مطرح هست حمایت از کارگر خارجی و حقوق برابر با آنها هست ما هم اینجا داریم تلاش می‌کنیم. بنابر این امیدوارم که یازده اردیبهشت خوبی باشد. بخصوص زنها امیدوارم که در چنین روزی بیایند و مطالبات ویژه خودشان را طرح بکنند. همین دستفروشها در چنین روزی باید بتوانند یک تشکل دستفروشی ایجاد بکنند. در محله های کارگری باید زنهایی که خانه هایشان را تبدیل به کارگاه کردند با این حقوق های بسیار پایی که گاه بهشان میدهند و گاهی نمی‌دهند همه اینها میشود جمع بشوند. دو نفر پیش قدم بشوند بتوانند به امکانی را فراهم بکنند بشینند با همدیگر صحبت بکنند ببینند چگونه می‌توانند این مسائل را حل بکنند. اجازه ندهیم در این خیابانها کسانی که بیکار هستند و بدنال یک مقدار نان هستند برای خودشان اینجوری اینها را سرکوب بکنند. چرا وقتی داره کار می‌کند به این زحمت اینها را سرکوب می‌کنند. می‌خواهند به کجا هل شان بدهند. که بروند تن فروشی بکنند. انوقت فردا بگیرند اعدامشان بکنند. یا بروند سمت مواد مخدر که ان بالا بالایی ها وارد بکنند و اینها فروشنده مواد مخدر بشوند و اخر هم اینها را بکشند و ان بالای ها به نان و نوای خودشان برسند. به این شرایط ها باید اعتراض کرد واقعا ما انسان هستیم و قبول نخواهیم کرد. من به نیروی طبقه ی کارگر ایمان دارم و این نیرو باید به حرکت دربیاید.

مینو همتی: حال که اروپا با حکومت اسلامی وصلت اقتصادی کرده، نقش فعالین کارگری مقیم اروپا برای تشویق اتحادیه های کارگری کشور محل اقامتشان به حمایت همه جانبه از تشکلات مستقل کارگری در ایران چیست؟

فرخنده آشنا: من خودم به عنوان یک کارگر در سوئد همیشه تلاشم این بوده که از مبارزات کارگری در ایران هم دفاع و

حمایت بکنم. همه فعالین کارگری و همه کسانی که دلسوز طبقه کارگر هستند در هر کشوری که هستند عملا دارند این کار را انجام می‌دهند شاید با دلسوزی های خیلی بیشتر این حمایت ها را دارند به عمل می‌آورند ما هم همیشه سعی کردیم که بخصوص به بدنه ی طبقه کارگر در این اتحادیه های کارگری شرایط وخیم اقتصادی و معیشتی و حقوق کارگرهای ایران را توضیح بدهیم و رژیم سرمایه داری ایران را افشا بکنیم. هر وقت قرار شده هینتی به ایران برود ما سعی کردیم تماس بگیریم و به آنها بگوییم که شما دارید میروید در کشوری قرار داد ببندید انجا دارند کارگرها را به شکلی سرکوب می‌کنند و کارگر هیچ حق و حقوقی ندارد ما سعی کردیم به اتحادیه های ان شرکتها بگوییم که این کارفرمای شما دارد میروند انجا که چکار بکنند.

اینها دقیقا می‌دانند که وقتی در اروپامبارزه می‌کنند دستاوردی دارند و حقوق بالایی دارند این ها به نفع کار فرما ها نیست برای همین میروند در کشورهایی مثل ایران که نیروی کار ارزان دارند را استثمار بکنند و سود بیشتری را بدست بیاورند اینها دقیقا متوجه این مسائل هستند برای همین اعتراضاتی هم اینجا سازمان می‌دهند و حمایت میشود از طرف جامعه این فعالیتهایی هست که اینجا هر کسی در هر کشوری هست سعی می‌کند اتحادیه های کارگری انجا را نیرو های رادیکالی انجا را متوجه بکنند. ما فقط ایرانی ها نیستیم از هر کشوری فعالان کارگری و معترضان کارگری مجبور شدند کشورشان را بخاطر مبارزات و سرکوب و زندان بودند و فرار کردند به این کشورها انجا هر کدامشان بخاطر ان سابقه و دلبستگی ها شان بخاطر ان تاریخ مشترکی که با کشور خودشان داشتند و می‌دانند که اوضاع انجا چطور هست و خیلی قابل لمس و حس هست به لحاظ این سعی می‌کنند در ان کشوری که هستند وضعیت انجا و تجارب خودشان

را منتقل بکنند و بگویند انجا چه خبر هست و یک جوری یک همبستگی و همدردی را ایجاد بکنند بهر حال این تلاش هایی هست که اینجا دارد می‌شود.

خوب بخشی از اتحادیه های اینجا بهشان امیدی زیادی نیست. بخاطر اینکه این اتحادیه ها هم مثل اتحادیه ال او سوئد را که من بیشتر می‌شناسم می‌دانم که بهر حال رهبران اینها بخشا خودشان جزو هیئت رئیسه همان شرکتها بزرگ هستند و شما نمی‌توانید دو جا بنشینید. هم بگویید مدافع طبقه کارگر هستید هم از یک طرف هیئت مدیره شرکتها بزرگ باشید. این ها را ما اینجا متوجه هستیم ولی آنچه که برای ما مهم هست این است که این بدنه تشکل هست یعنی کارگرها نوبی همین کشورها نوبی اتحادیه ها فعلا متشکل شدند. هرچند که بخش عظیمی از اینها به سیاست گذاریها و به این بالا نشینی های اتحادیه ها و به ان حقوق های کلانشان اعتراض دارند ولی ما وظیفه خودمان میدانیم که این بدنه را نسبت به وضعیت ها روشن بکنیم و در مواقع حساس بتوانیم این حمایت ها را بگیریم. این فشار از رده های پایین این اتحادیه ها هست که اینها را وادار می‌کند گاهی در رابطه با سرکوب و دستگیری و زندان کارگرای ایرانی و هر کشور دیگه ایی اطلاعیه های صادر بکنند و بهر حال اینها چیزهایی هستش که ما وظایف خودمان قرار دادیم هر کارگر دلسوزی اینجا وظایف خودش قرار داده که این حمایت ها را به عمل بیاورد. ولی آنچه که واقعا مهم و تایین کننده هست اعتراض ها و سازماندهی های و ان فعالیتهای گسترده ان چیزی هست که در ایران باید اتفاق بیافتد اینطرف فقط همین حمایت های معنوی هست که وظیفه هر کارگری هست که بتواند از هم طبقه ایش در هر جای دنیا که هست حمایت

بکند اینجوری هم نیست که من بعنوان یک فعال کارگری فقط از مسائل کارگرهای ایران حمایت بکنم وقتی کارگرها را در معدن‌ها دارند سرکوب می‌کنند وقتی کارگری که در انگلیس هست دارند حق و حقوقش را میزنند خوب ما اینجا ازش حمایت می‌کنیم. وقتی که دارند بمب روی سر کارگرهای سوریه می‌ریزند وقتی عراق را دارند به آن روز می‌اندازند ما اینجا اعتراض می‌کنیم. وقتی که ترکیه دارد اینقدر وحشیانه و هارر مردم را سرکوب می‌کند، ما هم از اعتراضات اتحادیه‌های کارگری ترکیه حمایت می‌کنیم.

فرخنده عزیز ضمن تبریک اول ماه مه روز جهانی کارگر به شما و بینندگان عزیز و با سپاس از اینکه نظراتتان را با بینندگان رهانی زن در میان گذاردید، شب و روز خوشی را برایتان آرزو دارم.

با تشکر از میثم باریک رو برای متن پیاده شده

گزارشات اول مه از تهران و سنج تا اشتوتگارت و استکهلم



<http://rahaizantv.blogspot.com/2016/05/mav-dav-reports-from-iran-to-germany.html>

تهدید به سوزاندن دختری که به استادایوم رفت

خبرگزاری هرانا - خبر کمی‌عجیب بود و غیرمنتظره، یک دختر جوان در میان صدهزار مرد، دیدار پرسپولیس و راه‌آهن را از نزدیک تماشا کرده است. او لحظاتی بعد از شروع بازی عکسی از خودش در فضای مجازی منتشر کرد و نوشت که «گفته بودم به ورزشگاه آزادی می‌روم و بالاخره آمدم»، دخترک ۲۱ ساله‌ای که ۵ پیراهن و ۵ شلوار را روی هم پوشیده بود تا لو نرود، حالا با مشکل بزرگی مواجه شده است، تهدید به بازداشت و حتی مرگ.

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از روزنامه قانون، «باید این دختر هنجارشکن بازداشت شده و در مقابل ورزشگاه آزادی در قفس آهنی سوزانده شود تا درس عبرتی برای تمامی بانوان فوتبال‌دوست نه تنها در ایران بلکه در کل جهان شود.»

این کامنت یک کاربر به نام «زینال بندری» است که در یکی از سایت‌های خبری برای او گذاشته‌اند. دختر از کامنت عکس گرفته و در اینستاگرامش منتشر کرده، کنار آن هم نوشته: «به کدامین جرم مرا می‌خواهند بسوزانند؟ به کدامین جرم می‌خواهند آتشم بزنند؟ شاید به جرم لذت تماشا و تشویق زنده تیم! یا شاید بودن در میان مردانی که مرا ناموس می‌خوانند. همان مردانی که پایش برسد برای غیرتشان، به خاطر محافظت از جنس من خون می‌ریزند و جان می‌دهند.»



خودکشی دختر ۱۲ ساله به دلیل ترس از تنبیه



دختر ۱۲ ساله‌ای که از سوی مسئولان مدرسه یک هفته اخراج شده بود، به خاطر ترس از تنبیه پدر، دست به خودکشی زد. او در راه مدرسه به خانه در برگه کوچکی نوشت و وسایلم را بین دوستانم تقسیم کنید. به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از آنا، او در راه مدرسه به خانه در برگه کوچکی نوشت و وسایلم را بین دوستانم تقسیم کنید. ۲ روز پیش، سقوط مرگبار دختری ۱۲ ساله به بازپرس جنایی مشهد اعلام و تیم بررسی صحنه جرم راهی محل شدند.

با حضور در محل، آنها با جسد دختر نوجوان درحالی مواجه شدند که از طبقه چهارم ساختمان سقوط کرده بود. در بازرسی از جیب‌های دختر ۱۲ ساله، دست‌نوشته‌اش پیدا شد با این مضمون: «وسایلم را بین دوستانم تقسیم کنید. پدر و مادر عزیزم من شما را دوست دارم، اگر خودم را می‌کشتم، به خاطر شما نیست، به خاطر خودم است.»

در ادامه تحقیقات، پدر دختر نوجوان به بازپرس جنایی گفت: «چند هفته پیش دخترم نمره پایین گرفت و مدرسه مرا خواست. زمانی که از ماجرا باخبر شدم، به شدت با دخترم برخورد کردم. امروز دخترم وسیله‌ای را که نباید به مدرسه ببرد، برده بود. مسئولان مدرسه از این موضوع باخبر می‌شوند و با من تماس می‌گیرند. به مدرسه رفتم و آنها یک هفته دخترم را از مدرسه اخراج کردند.» او ادامه داد: «دخترم در راه خانه، دست‌نوشته را می‌نویسد. او به خاطر ترس از من و این‌که مبادا دوباره تنبیهش کنم، دست به خودکشی زده است.»

مرگ کودک ۲ ساله بعد از ختنه



خبرگزاری هرانا - کودک دو ساله یزدی پس از یک عمل ختنه ساده جان باخت. بسیاری از فعالان حقوق بشر ختنه را ناقص ساری جنسی می‌دانند.

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از ایسنا، یونس قائمی کودک دو ساله‌ای که روز پنج‌شنبه گذشته برای انجام یک عمل ساده ختنه به یکی از بیمارستان‌های یزد مراجعه کرده بود، پس از پذیرش و انجام عمل جراحی، با حال مساعد از بیمارستان ترخیص و به همراه خانواده عازم منزل شد.

اما بنا بر اعلام مسئولان بیمارستان، این کودک پس از حدود یک ساعت و در حالی که علائم حیاتی نداشت، مجدداً به اورژانس بیمارستان بازگردانده می‌شود و با وجود تلاش تیم احیا و اقدامات انجام شده برای نجات جان بیمار، جان می‌بازد. به گفته‌ی مسئولان بیمارستان و مدیریت درمان تأمین اجتماعی یزد، با توجه به مشخص نبودن علت این حادثه، موضوع از طریق پزشکی قانونی در دست بررسی است و به‌زودی علت این مرگ مشکوک اعلام می‌شود.

مسئولان مربوطه پاسخگویی صحیح را منوط به اعلام نتایج بررسی‌های پزشکی قانونی دانستند.

۲۱ روز اعتصاب غذای خشک جعفر عظیم زاده کارگر زندانی



جعفر عظیم زاده در پی وخامت حال خود از زندان اوین به بیمارستان طالقانی منتقل شد.

جعفر عظیم زاده دبیر هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران که از دهم اردیبهشت ماه به اعتصاب غذا بسر میبرد. روز شنبه یک خرداد ماه ۱۳۹۵ در پی وخامت حال خود به بیمارستان طالقانی منتقل شد.

این فعال کارگری به علت ضعیف ناشی از بیست و سه روز اعتصاب غذایی در وضعیت هشدار دهنده و نا مساعدی قرار دارد. با این حال مسئولین قضایی همچنان از آزادی و رسیدگی به خواسته‌های وی خوداری می‌کنند.

تماس با سازمان رهائی زن



تلویزیون رهائی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته، شنبه ۱۷:۳۰ و یکشنبه ۱۷:۳۰ ساعت تکرار برنامه به وقت تهران می توانید بیننده تلویزیون رهائی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One TV
Hotbird 13E
Frequency 11541
Syb 22000
Pol V
FEC 5.6

برای همکاری با سازمان رهائی زن می توانید با نمایندگان آن در کشورهای مختلف

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: **فیروزه فرهی**
تلفن تماس: ۸۵۸-۵۳۱-۱۳۴۴

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com
Location: 5240 fiore TER #213
San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهائی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

انگلستان: **دیانا نامی**

تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۸۶۲۷۳۳۵۱۱
ایمیل:

دیگر نقاط آمریکا: **مینو همتی**

ایمیل: MinoHemati@GMail.com

نروژ: **شادی و روپاک مطیعی**

تلفن تماس: ۰۰۴۷۹۰۴۷۴۰۲۷
ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سوئد-استکهلم: **رعنا کریم زاده**

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۹۲۸۶۸۴۲
آدرس:

دیگر نقاط سوئد: **سالار کرداری**

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۱۹۴۵۰۳

گوتنبرگ: **آفاق وکیلی**

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۶۲۵۱۸۱۸۸

ایمیل: rahai_zan@yahoo.com

آلمان: **شراره رضانی**

تلفن تماس: ۰۰۴۹۱۵۷۸۵۰۲۲۵۶۱

ایمیل: Shararehzaei.p@googlemail.com